



تحلیلی بر جنگ‌های یهودی و دفاع مقدس؛

وقتی جنگ سینما را روایت می‌کند

بهنام مزبانی

سینما، از همان نخستین سال‌های تولد خود، به گونه‌ای غریزی جذب موضوع جنگ شد؛ گویی زبان تصویر، ظرفیتی طبیعی برای روایت بحران، قهرمانی، و تراژدی دارد. از صحنه‌های بازسازی‌شده نبردهای قرن نوزدهم گرفته تا تصاویر مستندگونه از جنگ جهانی اول و دوم در فیلم‌های سیاه‌وسفید، و بعدها روایت‌های دراماتیک و تکنیکی در دوران جنگ سرد و پس از آن، جنگ همواره یکی از اصلی‌ترین ستون‌های دراماتیک و اخلاقی سینمای جهان بوده است. این جاذبه اما تنها در سطح خشونت، کنش و درگیری نمی‌ماند؛ جنگ در سینما اغلب به آینه‌ای برای بازتاب جامعه، قدرت، ایدئولوژی و انسان در مرز مرگ و معنا بدل شده است.

با این حال، زمانی که موضوع جنگ نه در قالب استعاره یا موقعیت دراماتیک، بلکه در بستر یک واقعیت زیسته و تاریخی همچون دفاع مقدس در ایران بازتاب می‌یابد، زاویه نگاه سینما به کلی تغییر می‌کند. در چنین حالتی، دیگر صرفاً با بازنمایی درگیری نظامی مواجه نیستیم؛ بلکه با یک تجربه جمعی، فرهنگی و ایمانی طرفیم که سینما را از سطح سرگرمی یا تحلیل صرف، به ابزاری برای انتقال معنا، هویت و حافظه بدل می‌سازد. سینمای دفاع مقدس در ایران، در این زمینه یک پدیده منحصر به فرد به‌شمار می‌رود؛ سینمایی که در دل انقلاب، جنگ و مفاهیم اعتقادی شکل گرفت و خود را متعهد به بازگویی حقیقتی می‌داند که فراتر از توپ و تانک بود؛ حقیقت انسان در مواجهه با فاجعه، ایمان و از خودگذشتگی.

در سوی دیگر، سینمای جنگ در هالیوود - که هم تاریخچه‌ای بسیار طولانی تر دارد و هم پشتوانه‌ای صنعتی و بین‌المللی - بیشتر بر الگوهای فردگرایانه، روایت‌های قهرمان محور و هیجان‌های تکنیکی و دراماتیک استوار است. این سینما، حتی زمانی که به نقد جنگ می‌پردازد، باز هم بر محور تجربه فردی شخصیت‌ها و بحران روانی آن‌ها می‌چرخد و ساختار روایی‌اش متکی بر کشمکش‌های درونی، انتخاب‌های شخصی و سفر قهرمان است.

بنابراین، تقابل سینمای دفاع مقدس و سینمای جنگ هالیوود، تقابل دو گونه‌ی سینمایی صرف نیست؛ بلکه مواجهه‌ی دو گفتمان است: یکی متکی بر ارزش‌های جمعی، دینی و بومی، و دیگری استوار بر روان‌شناسی

فردی، پیچیدگی‌های انسانی و ساختارهای صنعتی و جهانی. از همین روست که مقایسه این دو تنها با ابزارهای فنی یا شاخص‌های اقتصادی ممکن نیست؛ باید به لایه‌های زیرین روایت، به نوع قهرمان‌سازی، به زبان تصویر و حتی به هدف نهایی این دو گونه از روایت‌گری نگاه کرد. این گزارش تلاشی است برای کندوکاو در همین لایه‌ها؛ سفری تحلیلی میان دو نگاه، دو فرهنگ، و دو تعریف از «جنگ» در سینما. از معنا تا فرم، از روایت تا تصویر، و از قهرمان تا تماشاگر.

بنیادهای فکری و گفتمانی جنگ به‌مثابه ایمان یا تجربه؟

سینمای جنگ در جهان، به‌ویژه در دو نمونه شاخص یعنی سینمای دفاع مقدس ایران و سینمای جنگ هالیوود، نه فقط در شیوه روایت بلکه در عمق نگاه به پدیده جنگ، تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند. در ایران، سینمای دفاع مقدس بر بستری از باورها، ارزش‌ها و مفاهیم ایمانی و اجتماعی شکل گرفته است. در این نوع سینما، جنگ تنها میدان نبرد نظامی نیست، بلکه عرصه‌ای است برای تجلی مفاهیمی چون ایثار، فداکاری، شهادت و رستگاری. از نگاه این سینما، رزمنده نه یک سرباز عادی، بلکه مجاهدی در مسیر کمال است؛ انسانی که با گذشتن از جان خویش، به ارزش‌های والا و جمعی خدمت می‌کند. فیلم‌هایی همچون «مهاجر» و «از کرخه تا راین» به روشنی این نگاه قدسی به جنگ را بازتاب می‌دهند؛ در این آثار، پیروزی نهایی نه لزوماً در تصرف یک خاک بلکه در تعالی روح و پاک‌سازی انسان معنا پیدا می‌کند.

در مقابل، سینمای جنگ هالیوود عموماً با یک رویکرد تجربه‌گرایانه و فردمحور به سراغ جنگ می‌رود. اینجا جنگ بیشتر بحرانی است برای درک ماهیت انسان در موقعیت‌های حد. قهرمانان فیلم‌های آمریکایی، اغلب سربازانی هستند که در میان دود، خون و تردید، دنبال معنا، نجات یا حتی فقط زنده ماندن اند. جنگ در این روایت‌ها، بیشتر از آنکه فرصتی برای تبلور ارزش‌های متعالی باشد، عرصه‌ای برای بحران هویت، تردید در اخلاقیات، و فروپاشی نظم روانی است. فیلم‌هایی چون «نجات سرباز رایان» یا «غلاف تمام‌فلزی» تصویری سخت، تیره و در عین حال بسیار انسانی از جنگ ارائه می‌دهند؛ تصاویری که در آن‌ها قهرمانان نه



تقابل سینمای دفاع مقدس و سینمای جنگ هالیوود، تقابل دو گونه‌ی سینمایی نیست؛ بلکه مواجهه‌ی دو گفتمان است: یکی متکی بر ارزش‌های جمعی، دینی و بومی، و دیگری استوار بر روان‌شناسی فردی، پیچیدگی‌های انسانی و ساختارهای صنعتی و جهانی

قدیسان از خود گذشته، بلکه انسان‌هایی زخمی و سردگم‌اند که سعی می‌کنند در جهنم جنگ، زنده بمانند و حقیقت را بیابند، حتی اگر این حقیقت تلخ و بی‌رحم باشد.

این دو نگرش متفاوت، ریشه در تفاوت‌های عمیق فرهنگی، تاریخی و ایدئولوژیک دارند. در ایران، جنگ تحمیلی به‌مثابه تجربه‌ای زیسته و واقعیتی جاری، در دل جامعه و حافظه جمعی جای گرفت و روایت آن در سینما نیز با رنگ‌وبوی ملی-مذهبی همراه شد. در حالی که در آمریکا، بسیاری از جنگ‌هایی که به تصویر کشیده می‌شوند (از جنگ جهانی دوم تا ویتنام و عراق)، بیشتر به‌صورت بازخوانی تاریخی یا نقد سیاسی مطرح‌اند؛ تجربه‌هایی که در فاصله‌ای امن از اکنون روایت می‌شوند و مجال برای نگاه انتقادی، روان‌کاوانه یا حتی ضدقهرمانانه پیدا کرده‌اند.

روایت و قهرمان‌پردازی

یکی از مهم‌ترین نقاط تمایز میان سینمای دفاع مقدس و سینمای جنگ هالیوود، در نحوه روایت داستان و نوع قهرمان‌پردازی نمود می‌یابد. این تفاوت‌ها، نه تنها بر محتوا بلکه بر فرم و تجربه‌ی تماشاگر فیلم نیز اثر گذارند و تصویر متفاوتی از «انسان در جنگ» ارائه می‌دهند.

در سینمای دفاع مقدس، روایت‌ها اغلب خطی، ساده و مبتنی بر تقابل خیر و شر طراحی می‌شوند. تمرکز اصلی، بر مسیر رشد معنوی و فداکاری قهرمانان است؛ آدم‌هایی معمولی که در مواجهه با سختی‌های جنگ، به درک عمیق‌تری از هستی، انسان و ایمان می‌رسند. آن‌ها نه در پی قهرمان‌بودن، بلکه در مسیر